

بررسی رابطه بین شفافیت شرکتی و برنامه‌ریزی مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

اسفندیار محمدی^۱، بهاره بیارش^۲

^۱ دانشیار گروه مدیریت بازرگانی دانشگاه ایلام

^۲ کارشناسی ارشد حسابداری موسسه آموزش عالی باختر

نام و نشانی ایمیل نویسنده مسئول:

بهاره بیارش

b.biarash@yahoo.com

چکیده

برنامه ریزی مالیاتی یکی از ابزارهای موجد صرفه جویی مالیاتی است که توسط شرکت ها در راستای هدف حداکثرسازی ثروت سهامداران بکار می رود. از این رو، همواره این احتمال وجود دارد که به سبب برنامه‌ریزی‌های مالیاتی که در جهت پنهان کردن حقایق به منظور جلوگیری از کشف شدن توسط مأموران مالیاتی انجام می‌شود، ابهام فعالیت‌های مالی شرکت افزایش و شفافیت گزارشگری مالی شرکت کاهش یابد. هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین شفافیت شرکتی و برنامه‌ریزی مالیاتی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. برای دستیابی به اهداف پژوهش تعداد ۱۰۸ شرکت پذیرفته شده در بورس تهران در طی دوره ۵ ساله از سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴ انتخاب و مورد تحلیل آماری قرار گرفت. در این پژوهش مدل‌های رگرسیون چند چندگانه مورد استفاده قرار گرفته است که در آن شفافیت شرکتی به عنوان متغیر مستقل و معیارهای بیانگر برنامه ریزی مالیاتی شامل نرخ موثر مالیاتی و تفاوت مالیات ابرازی و مالیات تشخیصی به عنوان متغیرهای وابسته در نظر گرفته شده است. پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و روش اجراء، جزو تحقیقات توصیفی-همبستگی است که در آن برای تأیید یا رد فرضیات از مدل رگرسیون چند گانه مبتنی بر داده های پانل و نرم افزار آماری Eviews استفاده شده است. یافته‌های تحقیق نشان داد که بین شفافیت شرکتی که بر حسب شفافیت سود حسابداری اندازه‌گیری می‌شود و نرخ موثر مالیاتی و همچنین تفاوت مالیات ابرازی و مالیات تشخیصی رابطه معنادار منفی وجود دارد.

واژگان کلیدی: برنامه ریزی مالیاتی، شفافیت شرکتی، نرخ موثر مالیاتی، تفاوت مالیات ابرازی و مالیات تشخیصی.

مقدمه

یکی از اهداف اصلی مدیران و نمایندگان سهام داران در شرکت، حداکثر کردن ثروت سهام داران است و سهام داران با استفاده از سازوکارهای مختلفی به دنبال تحقق این موضوع و نظارت بر مدیران هستند، بنابراین، می‌توان انتظار داشت که یکی از انگیزه‌های اصلی اجتناب از پرداخت مالیات توسط مدیران، تحقق هدف حداکثرسازی ثروت سهام داران باشد. نگرانیهای گزارشگری مالی نیز عامل بازدارندهای برای برنامه‌ریزی مالیاتی محسوب می‌شود. انگیزه‌های گزارشگری مالی اغلب با انگیزه حداقل کردن مالیات در تضاد است، به این دلیل که کاهش در سود مشمول مالیات، غالباً سود حسابداری کمتری را نتیجه می‌دهد [۱].

دسای و دارماپالا (۲۰۰۶)، رفتار اجتناب از پرداخت مالیات به عنوان یکی از رویه‌های برنامه ریزی مالیاتی با در نظر گرفتن تضاد منافی که در نتیجه جدایی مالکیت و کنترل و استراتژی اجتناب از پرداخت مالیات ایجاد می‌شود، مورد بررسی قرار دادند. این محققان بیان کردند که استراتژی‌های اجتناب از پرداخت مالیات مستلزم پنهان کردن حقایق است که اینکار با هدف کاهش میزان مالیات از طریق پنهان کردن حقایق از ممیزان مالیاتی صورت می‌پذیرد. در نتیجه، اثر معکوسی بر محیط اطلاعاتی شرکت دارد و به مدیران اجازه می‌دهد منافع را از شرکت خارج کنند و این پرسش را مطرح کردند: از آنجا که استراتژی جسورانه مالیاتی رابطه مکملی با منحرف کردن منافع توسط مدیران دارد، منافع خالصی را برای شرکت ایجاد میکند؟ به میزانی که رویه‌های جسورانه مالیاتی، پنهان کردن حقایق به منظور جلوگیری از کشف شدن توسط مأموران مالیاتی را دربر می‌گیرد، می‌تواند ابهام شرکت را افزایش دهد [۲].

کیفیت گزارشگری مالی و سیاست افشا بر میزان شفافیت شرکت تأثیر می‌گذارند. رویه‌های جسورانه مالیاتی سبب پنهان کردن حقایق و موجب افزایش عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران شرکت و سرمایه‌گذاران خارجی از طریق محدود کردن افشا می‌شوند. فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات می‌تواند ابزارهایی برای رفتار فرصت‌طلبانه مدیریتی فراهم آورد که این ابزارها شامل دستکاری سود، معاملات با اشخاص وابسته و سایر فعالیت‌های منحرف کردن منابع است [۳]. کیم و همکاران (۲۰۱۰) دریافتند که فرار مالیاتی آثار منفی بر محیط اطلاعاتی و گزارشگری شرکت دارد. این موضوع به مدیران امکان می‌دهد تا در راستای دستیابی به منافع شخصی خود معیارهای عملکردی شرکت را دست کاری کنند. بالا کریشنن و همکاران (۲۰۱۲) به این موضوع پرداختند که آیا رویه‌های جسورانه مالیاتی، شفافیت شرکت را کاهش می‌دهد یا خیر. نتایج تحقیق نشان داد که استراتژی جسورانه مالیاتی شفافیت شرکت را کاهش می‌دهد. همچنین مدیران در شرکت‌های با رویه‌های جسورانه مالیاتی تلاش می‌کنند مسأله شفافیت را با افزایش دادن سطح افشای مالیاتی کاهش دهند. بوشمن و اسمید (۲۰۰۱) بیان می‌کنند که ابهام ناشی از فعالیت‌های فرار مالیاتی، می‌تواند تضادهای بین مدیران و سهام داران را تشدید کند [۴].

برنامه‌ریزی‌های اجتناب از پرداخت مالیات، صرفه‌جویی مالیاتی برای شرکت به ارمغان می‌آورد. با این حال، به طور هم زمان پیچیدگی مالی و سازمانی شرکت را افزایش می‌دهد و به حدی می‌رسد که نمی‌توان با بخش‌های خارج از شرکت (مانند سرمایه‌گذاران، بستانکاران و تحلیلگران) به درستی ارتباط برقرار کرد و بدین صورت مشکلات شفافیت گزارشگری مالی افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر، افزایش مشکلات شفافیت باعث به وجود آمدن عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه‌گذاران، سهام داران، بستانکاران، مدیران و... خواهد شد. یکی از هزینه‌های بالقوه برنامه‌ریزی‌های مالیاتی، تأثیر این برنامه‌ها روی شفافیت گزارشگری مالی شرکت است. شفافیت کم مجموع‌های از هزینه‌ها را بر شرکت تحمیل می‌کند که شامل بالا رفتن هزینه تهیه سرمایه از طریق سهام و بدهی، تشدید مشکلات حاکمیتی و کاهش بهره‌وری سرمایه‌گذاری است [۵].

سیاست‌های مالیاتی مناسب منجر به بهبود شفافیت گزارشگری مالی، و شفافیت مناسب گزارشگری مالی به محاسبه دقیق مالیات خواهد انجامید. در اکثر پژوهش‌های انجام شده درخصوص گزارشگری مالی علایق و ذائقه استفاده کنندگان برون سازمانی شامل سرمایه‌گذاران، مدیران، حسابرسان و دانشگاهیان و... اساس کار قرار می‌گیرد. در حالی که به نقش پراهمیت دولت به عنوان یکی از مهمترین گروه‌های ذینفع همیشگی گزارشگری مالی کمتر یاد می‌شود. در گزارشگری مالی سهم دولت از منافع بنگاه از طریق سود حسابداری قابل قبول ممیز مالیاتی به همراه برخی تعدیلات محاسبه می‌شود. در واقع این فرآیند بطور غیرمستقیم می‌تواند مهر تأییدی بر سود حسابداری گزارشگری مالی باشد؛ یعنی در صورت پذیرش گزارش مالی توسط مراجع مالیاتی، طبیعتاً اعتبار ویژه‌ای به گزارش‌های مالی بخشیده می‌شود. با عنایت

به این توضیحات، سؤال اصلی مطرح در این تحقیق آن است که آیا بین شفافیت شرکتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌تواند با برنامه ریزی مالیاتی آن‌ها رابطه معنی داری وجود دارد؟

مبانی نظری

مالیات و برنامه‌ریزی مالیاتی

مالیات مبلغی است که دولت از اشخاص، شرکت‌ها و موسسات بر طبق قانون برای تأمین مخارج عمومی می‌گیرد و افزون بر ویژگی اجباری بودن، دارای خصوصیت یک طرفه بودن و عدم تناسب میان میزان مالیات و ارزش خدمات عمومی است. مالیات به عنوان یک هزینه‌ی اجتماعی تلقی می‌شود که شهروندان یک جامعه در قبال استفاده از امکانات و خدمات عمومی باید پرداخت کنند [۶]. (نوری خانیوردی، ۱۳۸۱). مالیات را می‌توان نوعی پرداخت اجباری به دولت تلقی کرد که از سوی شهروندان صورت می‌گیرد. این پرداخت می‌تواند مستقیم یا غیرمستقیم باشد و افراد حقیقی و حقوقی را در برگیرد. مالیات مستقیم ممکن است به صورت مبلغی ثابت دریافت شود یا به درآمد، ثروت و دیگر منابعی که گویای توان مالیات‌پردازی شهروندان است، تعلق گیرد. از سوی دیگر مالیات غیرمستقیم، از محل معاملات یا انواع دارایی‌های مشهود و نامشهود، و صرف نظر از وضعیت طرفین معامله یا صاحبان دارایی عاید می‌گردد. مالیات بر درآمد مهم‌ترین شکل مالیات مستقیم، و مالیات بر فروش عمده‌ترین شکل مالیات غیرمستقیم بشمار می‌رود [۷].

در ادبیات مالیات، مابه‌التفاوت آنچه که باید براساس قوانین مالیاتی پرداخت شود با پرداخت‌های مؤثر به عنوان شکاف مالیاتی تعریف می‌شود. البته شکاف مالیاتی دقیقاً برابر مالیاتی که دستگاه اجرایی مالیات می‌بایست اخذ می‌کرد نمی‌باشد، زیرا به فرض آنکه دستگاه اجرایی عملکردی کاملاً کارا داشته باشد، مسائلی چون ورشکستگی برخی شرکت‌ها، تغییر تصمیم افراد برای عرضه کار و تغییر درآمدها و قیمت‌ها، پایه مالیاتی را تغییر می‌دهد و در نتیجه شکاف مالیاتی به وجود می‌آید. به طور کلی، شکاف مالیاتی به واسطه فرار و اجتناب از مالیات رخ می‌دهد [۸].

پرهیز از پرداخت مالیات که اقدامی جهت کاهش میزان مالیات متعلقه و از اینرو افزایش در آمد پس از کسر مالیات تلقی می‌شود. پرهیز از مالیات اقدامی کاملاً قانونی تلقی می‌شود. در شماری از کشورها مانند ایالات متحد آمریکا، به مالیات‌دهندگان این امکان داده می‌شود تا یک رشته تعدیلات، تخفیفات و مانند آنها را در درآمد مشمول خود اعلام کنند. به عنوان مثال صاحبان خانه می‌توانند، بابت رهن خانه خود متقاضی کاهش بهره مربوط از درآمد مشمول مالیات خود شوند، یا پدران و مادران می‌توانند اعلام کنند که بابت هزینه فرزندان خود وام گرفته‌اند و هزینه بهره وام را از درآمد مشمول مالیات خود کسر نمایند. این راه‌ها و هزاران راه دیگر حاصل امتیاز خاصی است که وضع کننده مالیات برای فرد و گروه خاصی در نظر می‌گیرد. این راه‌ها را می‌توان در حقیقت مشوق‌های مالیاتی انگاشت که با هدف توسعه فعالیت‌های برخی حوزه‌های اقتصادی یا گروه‌های اجتماعی در نظر گرفته شده است. بارزترین ویژگی این مقوله، همان قانونی بودنش است [۷].

در ایران به دلایل اقتصادی، فرهنگی و سیاسی اثربخشی مالیات‌ها به ویژه در بودجه سالیانه چندان مورد توجه قرار نگرفته است. نقش و تأثیر درآمدهای نفتی در تأمین هزینه‌های جاری دولت موجب شده است که هم بودجه دولت به درآمدهای نفتی متکی شود و هم زمینه‌ساز رشد هزینه‌های جاری شود و اقتصاد کشور را از تکیه به درآمدهای ثابت و قابل اطمینان محروم کند. از مهم‌ترین مشکلات در این راستا می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

ناهمسو بودن قوانین مالی و مالیاتی، ارتباط مستقیم مؤدی و مأمور مالیاتی، فرار مالیاتی، بالا بودن هزینه‌های وصول، سهم اندک شرکت‌های غیردولتی در درآمدهای مالیاتی، عدم استفاده از اهرم مالیات برای کنترل اقتصادی، سهم اندک درآمد مالیاتی از تولید ناخالص داخلی و هزینه دولت [۹].

دولت‌ها برای تأمین مخارج مالی خود با توجه به سیاست‌های متفاوتی اقدام به دریافت مالیات می‌نمایند. سیاست‌های مالی و مالیاتی از طریق تصحیح و تثبیت فعالیت‌های اقتصادی در بخش‌های مختلف نه تنها به تأمین منابع مالی دولت بلکه به رشد و توسعه اقتصادی کمک می‌کند. بنابراین اعمال صحیح سیاست‌های مالیاتی را می‌توان وسیله‌ای برای افزایش تحرک، پویایی اقتصادی و حرکت به سمت توسعه اقتصادی- اجتماعی تلقی کرد. از سوی دیگر اجرای سیاست‌های ناصحیح مالیاتی، موجب ضعف بخش‌های مختلف و عدم تأمین منابع مالی دولت از این روش و کند شدن حرکت توسعه اقتصادی و اجتماعی می‌شود [۱۰]. در ادبیات مالیات، مابه‌التفاوت آنچه که باید براساس

قوانین مالیاتی پرداخت شود با پرداخت‌های انجام شده به عنوان شکاف مالیاتی تعریف می‌شود. به طور کلی، شکاف مالیاتی به واسطه فرار و اجتناب از مالیات رخ می‌دهد [۸].

فرار از مالیات^۱ که عبارت است از خودداری از پرداخت مالیات. یک فرد ممکن است تمام یا بخشی از درآمد خود را اعلام نکند، ممکن است درآمد خود را که از فعالیت‌های غیرقانونی مانند قمار یا فروش کالاهای دزدی شده و مانند آنها بدست می‌آید، اعلام نکند. یا ممکن است انعام یا پولی که بصورت قانونی بدست می‌آورد را گزارش ندهد. به این ترتیب فرار مالیاتی به مفهوم غیرقانونی بودن آن می‌تواند ریشه در اقتصاد رسمی و فعالیت‌های قانونی داشته باشد و یا اساساً از اقدامات غیرقانونی سرچشمه بگیرد [۷].

فرار مالیات یک تقلب است که بطور خاص بر ضد ارگان اقتصادی دولت صورت می‌گیرد. دولت قواعد بازی را در مجموعه مناسبات اقتصادی که قرار است به اجرا درآید، تعیین می‌کند، ساختار و سطح مالیات‌ها را مشخص می‌کند، و کنترل سازوکارهای لازم برای دریافت مالیات و نیز اعمال جرایم مالیاتی را در دست می‌گیرد. در این جا، دولت نقش قانون‌گذار، قربانی، و حکمیت را با یکدیگر ترکیب می‌کند. خصلت دیگر ریشه در رابطه میان سه عنصر اصلی درگیر در اقتصاد زیرزمینی (یعنی فرارکنندگان از مالیات، بازرسان، و دولت) دارد. آگاهی دولت از چشم‌انداز فرار از مالیات و اطلاعات ناقص آن از چگونگی فعالیت فراریان از مالیات، می‌تواند نقشی حیاتی در ساختار مالیات‌گیری داشته باشد. رابطه ویژه‌ای بین فرار از مالیات، و چند موضوع محوری در مطالعات اقتصاد بخش عمومی وجود دارد. شکل دقیق جرایم اقتصادی (مانند فرار از مالیات، جعل کنترل‌های دولتی، قاچاق کالا در بازار سیاه) به نوع جامعه، ساختار اقتصادی و نظام قانونی بستگی دارد [۱۱].

فرار از مالیات عملی غیراخلاقی و غیرقانونی می‌باشد یعنی عملی است از سوی مودی مالیاتی و مشمول مالیات، برای عدم تمکین و پرداخت کمتر از واقع مالیات. در این حالت فرد آن مقدار از سهم مالیاتی درآمد خود را به طور واقع پرداخت نمی‌کند از طرف دیگر در اجتناب مالیاتی فرد مشمول از طریقی صحیح و مبتکرانه، به انجام عملی بدون نقص قانونی دست می‌زند، تا میزان مالیات خود را کاهش دهد [۱۲]. فرار مالیاتی موجب تحقق نیافتن درآمدهای مالیاتی بالقوه و بعضاً پیش‌بینی شده می‌شود و در نتیجه بسیاری از برنامه‌ریزی‌های درست را در حوزه‌های مختلف با مشکل کمبود منابع مالی، تغییرات ناخواسته در برنامه‌ریزی‌ها و بودجه بندی روبرو می‌نماید. بنابراین، دولت‌مردان آگاه از تبعات و واقعیت‌های ناشی از فرار مالیاتی و رویه‌های آن، همواره سعی بر ایجاد نظام مالیاتی مدون داشته‌اند تا بتوانند با شناسایی منابع درآمد و اجرای مقررات، فرارهای مالیاتی را کاهش دهند [۱۳].

پدیده فرار مالیاتی، پدیده‌ای است که در چارچوب هر نظام مالیاتی، در هر جامعه یا هر نظام اقتصادی با درجه‌های متفاوت وجود دارد. شدت و ضعف شیوع این پدیده به عوامل متعددی مانند: نوع مالیات، ماهیت، اثرات و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی آن، فرهنگ، مذهب، نظام ارزشی و هنجارهای اجتماعی غالب بر جامعه، عوامل اقتصادی، هزینه تمکین مالیاتی و توان سازمان مالیاتی در کشف این پدیده و برخورد با آن، بستگی دارد [۸].

شفافیت

با وجود اینکه واژه "شفافیت" در سیستم‌های افشای اطلاعات مالی و نیز در استانداردهای حسابداری کاربرد فراوانی دارد، ولی در رابطه با این واژه تعریف مشترکی که همگان در مورد آن اتفاق نظر داشته باشند، وجود ندارد. تاکنون تعاریف فراوانی از شفافیت صورت گرفته است؛ به عنوان نمونه در فرهنگ لغات وبستر شفافیت به عنوان "باز بودن موسسات، آشکار بودن فعالیت موسسات، صداقت و قابلیت درک آسان" تعریف شده است. علاوه بر این در سایر فرهنگ لغات تعاریفی از قبیل: خیلی روشن بودن، صاف و ساده بودن، راحت فهمیدن و صریح و بی پرده بودن برای شفافیت ارایه شده است. در این تعاریف منظور از باز بودن یا گشودگی موسسات، دسترسی آسان به عملیات داخل شرکت، و منظور از آشکار بودن موسسات، وضوح اطلاعات است [۱].

شفافیت شرکتی، اصطلاحی است که توسط افراد مختلف به طور متفاوتی تفسیر می‌شود. برخی آن را به عنوان افشای اطلاعات شده در گزارش فعالیت سالیانه تعبیر می‌کنند [۱۴]. عده ای نیز بر این باورند که شفافیت به معنای توزیع اطلاعات از کانالی به غیر از صورت‌های مالی و یا گزارش فعالیت سالیانه مانند کانال مطبوعات است [۱۵]؛ اما برخی نیز بر دیدگاه جامع مبتنی بر محیط اطلاعاتی شرکت تاکید می‌کنند [۱۶].

بوشمن و همکاران (۲۰۰۴) شفافیت اطلاعات شرکت را وضعیتی می‌داند که اطلاعات به طور گسترده‌ای در دسترس، مربوط، قابل اتکا، با کیفیت جامع و به موقع باشد. آنان شفافیت شرکتی را به عنوان وضعیتی تلقی می‌کنند که اطلاعات به طور گسترده‌ای در دسترس،

1. Tax Evasion

مربوط، قابل اتکا، با کیفیت جامع و به موقع باشد. آکسا به دنبال تعریف استاندارد اند پورز، شفافیت را به موقع بودن و کفایت افشای کارکردهای مالی و عملیاتی شرکت تفسیر می کند [۱۷]. (آکسو، ۲۰۰۶). بارث و همکاران (۲۰۰۸) شفافیت سود را تغییر هم زمان سود و تغییر در سودآوری با بازده سهام تعریف کرده اند. از نظر براون و همکاران (۲۰۰۹) بهترین تعریف شفافیت در حوزه تجاری عبارت است از صورتهای مالی با کیفیت. همچنین نیلسن و همکاران (۲۰۰۹) درباره شفافیت بر این باورند که استفاده کننده اطلاعات در هر زمانی به همه چیز واقف است و او بر اساس اطلاعات شفاف می تواند هر موضوعی را مورد بررسی قرار دهد [۱۸].

با این وجود، تعاریف زیادی از شفافیت ارائه شده است که بسته به این که برچه مفهومی استوار هستند، می توان آنها را در سه گروه به شرح زیر، از یکدیگر متمایز نمود:

۱- تعاریف مبتنی بر ذی نفعان اطلاعات: ویش و اناث و کافمن (۱۹۹۹) شفافیت را "افزایش جریان به موقع و قابل اتکای اطلاعات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که در دسترس همه ذی نفعان مربوط باشد"، تعریف کرده اند. همچنین، آنان نبود شفافیت را به عنوان "ممانعت عمدی از دسترسی به اطلاعات، ارائه نادرست اطلاعات یا ناتوانی بازار در کسب اطمینان از کفایت مربوط بودن و کیفیت اطلاعات ارائه شده" تعریف کرده اند. دیدگاه سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) در مورد شفافیت، گسترده تر است و آن را به عنوان "ارتباط متقابل بین شرکت ها و سایر گروه ذی نفع" بیان می کند [۱۱].

۲- تعاریف مبتنی بر پاسخگویی: مطابق این دیدگاه، شفافیت به عنوان درجه گشودگی و باز بودن موسسات بیان شده است. به عبارت دیگر، شفافیت را می توان به عنوان میزان نظارت و ارزیابی اعمال افراد داخل شرکت (مانند مدیران)، توسط افراد خارج از شرکت (مانند سهامداران) بیان نمود. در تعریفی کوهن (۲۰۰۴) از شفافیت، پاسخگویی برجسته تر شده و به عنوان "افشای اطلاعات توسط شرکت ها که برای ارزیابی آن ها مربوط می باشد" تعریف گردیده است. از دیدگاه وی، شفافیت ابزاری برای تسهیل فرایند ارزیابی عملکرد شرکت ها تلقی می شود. تاکید بر حق دسترسی به اطلاعات و امکان ارزیابی عملکرد شرکت ها با استفاده از این اطلاعات، در تعاریف مذکور برجسته تر شده است. در واقع، شفافیت ارتباطی تنگاتنگ با پاسخگویی دارد و علت تقاضا برای شفافیت این است که بازار شرکت ها را بابت سیاست های اتخاذ شده و عملکرد آنها، مسئول می داند [۵].

۳- تعریف شفافیت با تاکید بر اجرای قوانین و مقررات: سازمان تجارت جهانی، اطمینان از دسترسی به شفافیت در قرار دادهای تجاری بین المللی را مستلزم سه شرط اساسی می داند:

- ۱- اطلاعات درباره قوانین، مقررات و سایر رویه ها به طور عموم منتشر شده باشد.
 - ۲- مطلع کردن گروههای ذینفع از قوانین و مقررات مربوط و تغییرات در آنها
 - ۳- اطمینان از این که قوانین و مقررات به صورت یکپارچه، بی طرفانه و معقول اجرا می شود.
- وجه اشتراک همه تعاریف مذکور، «قابلیت دسترسی به اطلاعات» و «توانایی برقراری ارتباط و وجود جریان ارسال و دریافت اطلاعات» است، زیرا قابلیت دسترسی به اطلاعات از ابعاد مهم دستیابی به شفافیت بوده و در هنگام ارسال اطلاعات از طریق سیستم حسابداری، نیاز به شفافیت تشدید می شود [۱۹].

یکی از مهمترین چالشهایی که در تحقیقات تجربی مربوط به شفافیت وجود دارد، اندازه گیری شفافیت است. از نظر مفهومی کمی کردن میزان شفافیت را میتوان با دقت اطلاعات دریافت شده سنجید. دقت اطلاعات تابعی از مربوط بودن و کیفیت اطلاعات است. در تلاشهای اخیر برای اندازه گیری شفافیت از معیارهایی مانند بحران مالی یا هموار سازی سود استفاده شده است [۲۰].

حجم وسیعی از تحقیقات که به دنبال معیاری برای اندازه گیری شفافیت گزارشگری مالی بوده اند؛ این واقعیت را دریافتند که شفافیت ویژگی چند بُعدی محیط اطلاعاتی شرکت است که به صورت مستقیم قابل اندازه گیری نمی باشد و بنابراین در جستجوی شاخص هایی بودند تا با سازه های تئوریک مرتبط باشند. بنابراین گرچه پذیرفته شده است که شرکتی که صورت های مالی آن توسط یکی از موسسات بزرگ حسابرسی رسیدگی شود؛ الزاما شفاف نمی باشد اما انتخاب یک حسابرس با کیفیت، شاخصی جهت تشخیص شرکت هایی است که متعهد به ارائه اطلاعات مالی صادقانه و قابل فهم می باشند. در حالت ایده آل به منظور اندازه گیری شفافیت گزارشگری مالی در سطح شرکت، کفایت، کیفیت و اعتبار اطلاعات ارائه شده توسط شرکت ها باید مورد ارزیابی قرار گیرد. اما با توجه به عدم تقارن اطلاعاتی بین تهیه کنندگان اطلاعات و استفاده کنندگان، چنین امری تقریبا غیر ممکن است. در حقیقت، یکی از مهم ترین اهداف اطلاعات حسابداری، کاهش این عدم تقارن اطلاعاتی است [۲۱].

مرکز تحقیقات و تجزیه و تحلیل بین المللی شاخصی برای شفافیت ارایه کرده است که این شاخص میانگین امتیاز نود آیت حسابداری و غیر حسابداری افشا شده توسط نمونه گستردهای از شرکتهای در گزارشگری سالانه آنها است. این مرکز امتیازات معینی برای هر ویژگی تعیین کرده و بر اساس امتیاز بدست آمده میزان شفافیت اطلاعات مالی را اندازه گیری می کند. برگر و همکاران (۲۰۰۶) معیاری برای اندازه گیری شفافیت گزارشگری مالی ابداع کردند که برای دامنه وسیعی از شرکت ها می توان استفاده کرد. ایده ای که آن ها برای اندازه گیری شفافیت

سود در نظر گرفتند بر اساس پایداری سود است، زیرا از نظر آن ها نوسان بازده سهام شرکت نسبتی از شفافیت حسابداری شرکت است. این شاخص علاوه بر کیفیت گزارشگری مالی، شفافیت مالی را هم اندازه می گیرد.

بارت و همکاران (۲۰۰۸) برای اندازه گیری شفافیت سود از رابطه سود و بازده سهام شرکت استفاده کرده اند، به گونه ای که اگر سود و تغییر در سود با بازده سهام به طور هم زمان تغییر کنند (با در نظر گرفتن شاخص ضریب تعیین) سود شرکت شفاف است. مهد ساد و همکاران (۲۰۰۹) شاخصی را برای اندازه گیری شفافیت به کار گرفته اند که مقدار شاخص استفاده شده با ویژگیهای شرکت یعنی اندازه شرکت، تعداد سهامداران و سود دهی ارتباط مثبتی دارد. در این تحقیق از مدل بارت و همکاران (۲۰۰۸) برای اندازه گیری شفافیت سود استفاده شده است. در ادامه مهمترین مدل های اندازه گیری شفافیت در ادبیات موجود ارائه می گردد:

۱- مدل شفافیت دی پیازا و همکاران^۱

دی پیازا و همکاران (۲۰۰۲) مدل جدیدی برای شفافیت شرکتی^۲ ارائه کردند؛ مدل سه سطحی شفافیت شرکت^۳ نگرشی جدید از آینده گزارش دهی شرکت است.

(۱) سطوح سه گانه این مدل عبارتند از:

(۱) سطح اول: یک مجموعه از اصول حسابداری پذیرفته شده عمومی جهانی^۴

(۲) سطح دوم: استانداردهای مخصوص صنعت^۵ برای ارزیابی و گزارش عملکرد که توسط خود صنایع وضع می شود.

(۳) سطح سوم: اطلاعات مخصوص شرکت شامل استراتژی، برنامه ها، روش های مدیریت مخاطره، سیاست های پرداخت، شاخص های عملکرد خاص شرکت، مبانی حقوقی شرکت.

مدل سه سطحی از شرکت ها نمی خواهد که اطلاعات خود را در سه سطح ناپیوسته گزارش کنند، بلکه سرمایه گذاران و سهامداران فقط زمانی از این اطلاعات منتفع می شوند که شرکت ها اطلاعات هر سه سطح را به شکلی یکپارچه که تصویری کل نگرانه از شرکت ارائه کند، افشا کنند.

سطح سوم: اطلاعات مخصوص شرکت

سطح دوم: استانداردهای مخصوص صنعت

سطح اول: اصول حسابداری پذیرفته شده عمومی جهانی

برای اینکه بازارهای سرمایه به طور کارآمد و مؤثر عمل کنند، زنجیره عرضه گزارش دهی شرکت مدیران اجرایی شرکت ها، هیئت مدیره، توزیع کنندگان اطلاعات، شرکت های حسابرسی مستقل، تحلیلگران، استاندارد گذاران و تنظیم کنندگان بازار به همراه تکنولوژی های عرضه و به کارگیری اطلاعات باید مطمئن و قابل اعتماد باشند [۱۹].

برای بازگرداندن اعتماد عمومی، کلیه شرکاء این زنجیره باید به روح شفافیت ایمان داشته باشند و آن را تمرین کنند. ترویج فرهنگ مسئولیت پذیری و اصالت اعضا^۶ زنجیره نیز اهمیت اساسی دارد. این موضوع نشان دهنده نقش و ارتباط بین گروه ها و اشخاص مختلف درگیر در تولید، تهیه، انتقال و به کارگیری اطلاعات گزارش شده شرکت ها می باشد. این گروه ها عبارتند از:

مدیران اجرایی و هیئت مدیره مسئول تهیه و صحت اطلاعات منتشره شرکت هستند. حسابرسان مستقل به اظهار نظر مستقل حسابرسی در مورد اکثر بیانیه های مالی منتشره شرکت ها می پردازند. در مدل سه سطحی حرفه حسابرسی باید در مورد اطلاعات منتشره هر سه سطح اطمینان حاصل کند.

- توزیع کنندگان اطلاعات کسانی هستند که اطلاعات و داده های گزارش شده را جمع آوری و ادغام کرده تا مورد استفاده دیگران قرار گیرد این گروه همچنین شامل رسانه های خبری، سایت های اینترنت و دیگر رسانه های ارتباط جمعی است که به اطلاعات شرکت ها مرتبط می شوند.
- تحلیلگران، افرادی هستند که از اطلاعات گزارش شده شرکت ها در ترکیب با دیگر اطلاعات و تحقیقات به منظور ارزیابی عملکرد و آینده شرکت استفاده می کنند و به سرمایه گذاران حقیقی و حقوقی توصیه های خرید و معامله سهام ارائه می کنند.
- سرمایه گذاران و سهامداران به کارگیرندگان نهایی اطلاعات منتشره شرکت ها هستند. سهامداران شرکت، سرمایه گذاران حرفه ای، کارمندان دولت، شرکای تجاری، فروشندگان و تهیه کنندگان در این گروه جای می گیرند. همچنین شامل اعضاء جامعه، گروه های

¹ - Dipiazza & et al.

² - Corporate Transparency

³ - Three-Tier Model of Corporate Transparency

⁴ - Global Generally Accepted accounting - Global GAAP

⁵ - Industry - Based Standards

⁶ - People of Integrity

اجتماعی و دیگر سازمان‌های غیردولتی است که ممکن است در عملکرد یک شرکت مبالغه‌گذاری کرده باشند. "استانداردگذاران به سازمان‌هایی اشاره دارد که استانداردهای حسابداری و حسابرسی وضع می‌کنند، و نیز شامل دیگر سازمان‌ها، انجمن‌های حرفه‌ای، گروه‌های صنعتی - تجاری است که ممکن است در وضع استانداردها یا تعریف شاخص‌های عملکرد شرکت نقشی داشته باشند.

- تنظیم گران بازار شامل آژانس‌های دولتی^۱، اتحادیه‌ها و تشکلهای منطقه‌ای^۲، گروه‌های فراملیتی و حتی بورس‌هایی است که قوانین مربوط به گزارش‌دهی شرکت را وضع و اجراء می‌کنند و همچنین گروه‌های قانونگذاری.
- تکنولوژی‌های توانمندکننده اشاره دارد به تکنولوژی‌های اینترنت، زبان گزارش‌دهی تجاری گسترده، که توزیع و به‌کارگیری گسترده اطلاعات گزارش‌شده را برای افراد داخل و خارج از شرکت میسر می‌سازد و نیز سخت‌افزار و نرم‌افزار توسعه‌یافته توسط شرکت‌های تکنولوژی به‌منظور جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات [۱۷].

۲- مدل شفافیت بوشمن، پیوتروسکی و اسمیت

بوشمن و همکاران (۲۰۰۱) برای توصیف و اندازه‌گیری شفافیت شرکت، چارچوبی در نمودار ۳ ارائه می‌دهند و شفافیت را چنین تعریف می‌کنند: "شفافیت عبارت است از وجود اطلاعات در مورد عملکرد دوره‌ای، وضعیت مالی، فرصت‌های سرمایه‌گذاری، ساختار حقوقی، و مخاطره و ارزش شرکت‌ها در اقتصاد" [۱۶].

در این چارچوب، سیستم‌های اطلاعاتی که به شفافیت شرکت کمک می‌کنند به سه طبقه تقسیم می‌شوند؛ گزارش‌دهی شرکت^۳، کسب اطلاعات محرمانه^۴ و اشاعه اطلاعات^۵

اولین طبقه یعنی گزارش‌دهی شرکت شامل افشا دوره‌ای به‌صورت اجباری یا اختیاری است. این اطلاعات به‌عنوان مثال شامل اطلاعات مالی حسابرسی شده شرح محصولات و بازارها، افشا حقوق مدیران و سرپرستان و دیگر اطلاعات خاص شرکت است که به ارزیابی وضعیت مالی شرکت، عملکرد آن فرصت‌های سرمایه‌گذاری، ساختارهای حقوقی، و مخاطره و ارزش شرکت کمک می‌کند. برای کیفیت گزارش‌دهی شرکت چهار جنبه در نظر گرفته می‌شود:

(۱) عمق افشاگری^۶

(۲) اصول حسابداری به‌کار رفته

(۳) زمان افشا^۷

(۴) کیفیت حسابرسی افشاها.

اولین جنبه یعنی عمق افشاگری با سه دسته افشا سنجیده می‌شود. اولین دسته، گزارشات عمومی^۸ شامل اطلاعات عمومی، اقلام گزارش درآمد، ترازنامه، صورت جریان نقدی، استانداردهای حسابرسی، اطلاعات سهام و اقلام ویژه است. دومین دسته، انتشار عمومی گزارشات ویژه مالی که از ماهیت اختصاصی بالائی برخوردارند، شامل هزینه‌های تحقیق و توسعه مخارج سرمایه‌ای، افشا محصولات و بخش‌های جغرافیایی و سایر افشاهای مکمل است. سومین متغیر عمق افشاگری، افشای ساختار حقوقی و مالکیت شرکت^۹ شامل شناسائی مدیران، اعضاء هیئت‌مدیره و ارتباط آنها، پاداش مقامات و سرپرستان شناسائی سهامداران عمده میزان سهام تحت تملک سرپرستان و کارکنان و دامنه و حدود سهامداری است. هر چقدر این سه متغیر ارزش بالاتری داشته باشند، به همان میزان عمق افشاگری بیشتر خواهد بود [۱۰].

دومین جنبه کیفیت گزارش‌دهی شرکت، اصول حسابداری به‌کار رفته می‌باشد. گزارشات مالی ادغام شده معمولاً اطلاع‌دهنده‌تر می‌باشند و استفاده از ذخایر جاری معمولاً یک راه پنهان نگه داشتن عملکرد دوره‌ای شرکت است. بنابراین کیفیت گزارش‌دهی شرکت‌هایی که صورت‌های مالی خود ادغام کرده و از ذخایر جاری استفاده نمی‌کنند، بالاتر است. از طرف دیگر چنانچه قوانین حسابداری کشوری برای مقاصد گزارش‌دهی مالی از قوانین حسابداری مالیاتی تبعیت کند، گزارشات مالی کمتر اطلاع‌دهنده خواهند بود [۱۶].

¹ - National Governmental Agencies

² - Terftorial Coalitions

³ - Coporate Reporting

⁴ - Private Information Acquisition & Communication

⁵ - Information Dissemination

⁶ - Disclosure Intensity

⁷ - Timeliness

⁸ - General Disclosure

⁹ - Govemance & Ownership Structure

سومین جنبه کیفیت گزارش‌دهی، زمان افشا است. ارزش این متغیر با افزایش فراوانی گزارشات ضمنی، تعداد اقلام ویژه‌ای در گزارشات ضمنی افشا می‌شود، ادغام‌سازی در این گزارشات و گزارش وقایع متعاقب بالا می‌رود. سرانجام به چهارمین جنبه یعنی اعتبار افشا می‌رسیم. اعتبار افشاها به کیفیت بالای حسابرسی بستگی دارد. دومین جزء شفافیت، کسب اطلاعات محرمانه است. ارتباط میان افشای اطلاعات عمومی، پردازش اطلاعات محرمانه و فعالیت‌های گسترده سرمایه‌گذاران همیشه تعیین‌کننده مهم عرضه و تقاضا برای اطلاعات در یک اقتصاد بوده است [۲۲].

برحسب روشی که اطلاعات محرمانه به دیگران منتقل می‌شود، می‌توان سه سیستم اطلاعاتی در نظر گرفت. اولین سیستم اطلاعاتی عبارت از کسب اطلاعات محرمانه و انتقال مستقیم آن به دیگران توسط تحلیلگران مالی است؛ تحلیل گران مالی در پردازش و تفسیر اطلاعات اضافی دیگری که از طریق گفتگو با مدیران، تهیه‌کنندگان، مشتریان و ... یک شرکت به‌دست می‌آید متخصص می‌باشند. همه این فعالیت‌ها، کسب اطلاعات محرمانه محسوب می‌شود. به واسطه این فعالیت‌ها مجموعه اطلاعات عملکرد و دورنمای یک شرکت از طریق گزارشات تحلیلگر و توصیه‌های سهام فراهم می‌شود هر چقدر تعداد تحلیلگران پی‌گیر یک شرکت بیشتر باشد، اطلاعات کسب‌شده معتبرتر است [۹]. در سیستم اطلاعاتی دیگر عبارتند از جمع‌آوری اطلاعات داخلی، پردازش و فعالیت‌های معاملاتی دارندگان اطلاعات محرمانه^۱ (خودی‌ها) و سرمایه‌گذاران نهادی نسبتاً خیره. اگرچه معمولاً کلیه اطلاعات به‌دست آمده و پردازش‌شده توسط خودی‌ها و سرمایه‌گذاران نهادی برای عموم گزارش نمی‌شود، به واسطه تصمیمات خرید و فروش آنها، ارزش محرمانه اطلاعات در قیمت سهام جمع می‌شود و اطلاعات خاص شرکت به‌وسیله قیمت سهام به عموم انتقال می‌یابد. در اینجا شفافیت شرکت با فعالیت‌های سرمایه‌گذاران نهادی رابطه مستقیم و با فعالیت‌های دارندگان اطلاعات محرمانه ارتباط عکس دارد. منع قانونی داد و ستد متکی به اطلاعات نهائی به شفافیت بیشتر منتهی می‌شود [۱۳]

سومین جزء شفافیت اشاعه اطلاعات است و شامل توزیع اطلاعات از طریق انواع کانال‌های رسانه‌های جمعی و اینترنت می‌باشد. فقدان یک زیربنای توسعه یافته ارتباطی، همچنین مالکیت دولتی^۲ رسانه‌های گروهی در یک کشور جریان اطلاعات منتشرشده شرکت‌ها و امکان دسترسی آژانس‌های اقتصادی و مالی را به این اطلاعات، محدود می‌کند. از کانال‌های ارتباطی دسترسی سرعت و صحت انتقال اطلاعات به استفاده‌کنندگان انتظار می‌رود. افزایش میزان نفوذ و یا مالکیت در رسانه‌های گروهی با شفافیت ارتباط مستقیم دارد [۱۷]

در زمینه شفافیت و برنامه ریزی مالیاتی پژوهشهایی در داخل و خارج از کشور انجام شده است:

بالاکریشان و همکاران (۲۰۱۲) به این موضوع پرداختند که آیا رویه‌های جسورانه مالیاتی، شفافیت شرکت را کاهش می‌دهد یا خیر. این محققان از معیار عدم تقارن اطلاعاتی، کیفیت سود و خطای پیش‌بینی تحلیلگران به عنوان معیار شفافیت شرکت استفاده کردند. نتایج تحقیق نشان داد که استراتژی جسورانه مالیاتی شفافیت شرکت را کاهش می‌دهد. همچنین مدیران در شرکت‌های با رویه‌های جسورانه مالیاتی تلاش می‌کنند مسأله شفافیت را با افزایش دادن سطح افشای مالیاتی کاهش دهند.

آرمسترانگ و همکاران (۲۰۱۱) در تحقیقی به تبیین مشوق‌های مؤثر بر برنامه ریزی مالیاتی پرداختند. افراد مذکور، از یک مجموعه داده اختصاصی که حاوی اطلاعات مربوط به طرح‌های پاداش به صورت جزیی بود، استفاده نمودند. همچنین از معیارهایی همچون نرخ مؤثر مالیاتی بر مبنای استانداردهای حسابداری، نرخ مؤثر مالیاتی نقدی و اختلاف بین درآمد دفتری و درآمد مشمول مالیات استفاده نمودند. یافته‌های این تحقیق بیانگر آن بود که بین طرح‌های تشویقی پاداش مدیران مالیاتی با نرخ مؤثر مالیاتی محاسبه شده بر اساس استانداردهای حسابداری رابطه‌ای منفی و معنادار وجود دارد، اما بین طرح‌های مذکور با سایر معیارهای استفاده شده ارتباطی ضعیف وجود دارد.

چن و همکاران (۲۰۰۹) به بررسی رابطه بین میزان شفافیت شرکت و اجتناب از پرداخت مالیات با در نظر گرفتن تضاد منافع بین سهام داران و مدیران پرداختند. این محققان از دامنه تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش به عنوان معیار شفافیت شرکت و تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات به عنوان معیار اجتناب از پرداخت مالیات استفاده کردند. نتایج تحقیق نشان داد که هرچه میزان اجتناب از پرداخت مالیات بیشتر باشد، میزان ابهام در آن شرکت بیشتر است.

چیو چی^۳ (۲۰۰۹) تاثیر میزان شفافیت گزارشگری مالی بر عملکرد و ارزش شرکت در بورس اوراق بهادار تایوان را بررسی کرده است. هدف اصلی آن روشن کردن قوانین و مقررات جدید و فراهم کردن شواهدی تجربی به منظور نشان دادن رابطه بین شفافیت افشای مالی و عملکرد شرکت در محیط تایوان بوده است. وی بر مبنای درجه قابلیت اتکا، صریح و واضح بودن گزارش‌های مالی ۸۸۰ شرکت از نظر شفافیت رتبه بندی کرد. مطالعه او شواهد تجربی فراهم کرد که نشان می‌دهد کیفیت کلی شفافیت افشای شرکت به طور مثبتی با عملکرد مالی شرکت

¹ - Insider information

² - State ownership

³ - Chiu, Chi

رابطه دارد. علاوه بر این وی نشان داد که شفافیت افشای صورتهای مالی شرکت، مکانیزمی است که ارزش شرکت را حداکثر کرده و از ایجاد خطر اخلاقی بین مدیران و مالکان جلوگیری می‌کند.

فرانک و همکاران (۲۰۰۹) تاثیر مثبت میان سیاست‌های متهورانه مالیات گزارشگری مالی و سیاست های متهورانه مالیات را برآورد کردند که شامل مدیریت سود مشمول مالیات به صورت کاهش و مدیریت سود دفتری به صورت افزایشی است.

پورحیدری و همکاران (۱۳۹۳) تاثیر اجتناب از پرداخت مالیات را بر شفافیت گزارشگری مالی شرکت های بورس بررسی نمودند. نتایج نشان داد که فعالیت های برنامه ریزی مالیاتی شفافیت گزارشگری مالی را کاهش می دهد. به عبارتی فعالیت های اجتناب از پرداخت مالیات مستلزم پنهان کردن حقایق و معاملات پیچیده است که بر محیط اطلاعاتی شرکت تاثیر منفی دارد و باعث کاهش شفافیت گزارشگری مالی شرکت می شود.

عبدولی و همکاران (۱۳۹۲) ارتباط بین تفاوت مالیات ابرازی و تشخیصی با شفافیت شرکتی را بررسی نمودند. نتایج نشان داد که در خصوص عملکرد مالی و افشاء اطلاعات و معیار سیاست متهورانه مالیاتی شرکت ها همبستگی منفی وجود دارد. اما بررسی ها بعمل آمده، وجود رابطه بین شفافیت شرکتی در خصوص ساختار مالکیت و حقوق مالکان با سیاست های متهورانه مالیاتی و شفافیت شرکتی در خصوص ساختار و ترکیب هیأت مدیره با این سیاست ها را تایید نکرد.

بادآور نهندي و همکاران (۱۳۹۲) اثربخشی شفافیت اطلاعات حسابداری در بهبود کارایی سرمایه گذاری در بورس اوراق بهادار تهران را بررسی نمودند. آنان برای اندازه گیری شفافیت اطلاعات حسابداری از مدل بارث (۲۰۰۹) استفاده نمودند. برای تجزیه و تحلیل داده ها و آزمون فرضیه ها از تکنیک آماری رگرسیون داده های تابلویی استفاده گردید. نتایج پژوهش نشان داد که شفافیت اطلاعات حسابداری بر کارایی سرمایه‌گذاری تأثیری ندارد. این موضوع بیانگر عدم نقش فعال اطلاعات حسابداری در توزیع برابر اطلاعات بین گروههای ذینفع و نظارت آنها در هدایت صحیح منابع از سوی مدیریت به سمت سرمایه گذاری در پژوهش های بهینه می باشد.

عرب مازار و همکاران (۱۳۹۰) به تبیین رابطه بین شفافیت گزارشگری مالی با گزارشگری مالیاتی در ایران پرداختند. روش انجام این تحقیق از نوع پرسشنامه‌ای بود. نتایج تحقیق آنها بیان کننده وجود یک رابطه مثبت بین گزارشگری مالیاتی و شفافیت گزارشگری مالی بود. به طوری که در صورت تهیه گزارشگری مالیاتی به ضمیمه گزارشگری مالی، شفافیت گزارشگری مالی تا حدود زیادی تأمین خواهد شد.

روش تحقیق

در این پژوهش از این رو که در پی یافتن رابطه معناداری بین متغیرهای تحقیق هستیم و همین طور به مطالعه حدود تغییرات متغیر وابسته با توجه به حدود تغییرات متغیرهای مستقل می‌پردازیم، در زمره پژوهش‌های همبستگی قرار دارد، بنابراین روش پژوهش از نظر ماهیت و محتوایی یک پژوهش از نوع همبستگی می‌باشد که برای کشف همبستگی بین متغیرها به روش پس‌رویدادی عمل خواهد شد. از لحاظ نوع کار تحقیقاتی و از نظر هدف، یک تحقیق کاربردی است که از اطلاعات واقعی و روش‌های مختلف آماری برای رد یا عدم رد فرضیه‌ها استفاده می‌گردد، و در حوزه تئوری اثباتی قرار می‌گیرد. انجام این پژوهش در چارچوب استدلال قیاسی - استقرائی می‌باشد، بدین معنی که مبانی نظری و پیشینه پژوهش از راه مطالعات کتابخانه‌ای، مقالات و سایت‌ها در قالب قیاسی و گردآوری اطلاعات برای تأیید یا رد فرضیه‌ها در قالب استقرائی می‌باشد.

در این پژوهش اطلاعات مورد نیاز برای تدوین مبانی نظری تحقیق و مطالعه تحقیقات قبلی در حوزه موضوع تحقیق به روش کتابخانه‌ای انجام شده است. در این راستا، کتب، مقالات داخلی و خارجی و پایان‌نامه‌های دانشجویی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. همچنین داده‌های لازم برای محاسبه متغیرهای تحقیق و تدوین و آزمون فرضیه‌ها به صورت میدانی (بررسی اسناد و مدارک شرکت ها و بازار بورس) جمع‌آوری شده است. این داده ها از پایگاه‌های اطلاعاتی سازمان بورس و نرم افزارهای داده پردازی نظیر تدبیرپرداز و غیره جمع‌آوری گردید.

قلمرو زمانی تحقیق حاضر، از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ می‌باشد. یکی از دلایل انتخاب دوره زمانی مذکور، امکان استخراج صورتهای مالی و یادداشت‌های همراه در طول دوره زمانی مورد نظر است که در طول دوره ۶ ساله، امکان دستیابی به اطلاعات لازم برای محقق محرز گردیده است.

جامعه آماری این پژوهش را شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تشکیل می‌دهد. در این تحقیق ابتدا شرایطی برای انتخاب نمونه تعریف می‌شود و سپس نمونه‌های فاقد شرایط مذکور از نمونه حذف می‌گردند. به بیانی دیگر، با توجه به روش و فرضیات تحقیق می‌توان ضوابطی را جهت اعمال در نمونه‌گیری تعریف نمود. از این جهت روش نمونه‌گیری این تحقیق، روش هدفمند است. از این رو، تنها شرکت هایی که دارای شرایط زیر هستند در نمونه قرار می‌گیرند:

۱. تا پایان اسفند ماه ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.

۲. پایان سال مالی شرکت ها ۲۹ اسفند ماه باشد.

۳. شرکت ها در دوره مورد نظر، سال مالی خود را تغییر نداده باشند.
۴. شرکت ها در دوره مورد نظر، بیش از سه ماه توقف فعالیت نداشته باشند.
۵. صورت های مالی و یادداشت های همراه شرکت ها در سال های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴ به گونه ای کامل در سایت بورس اوراق بهادار موجود باشد.
۶. تمامی اطلاعات مربوط جهت محاسبه متغیرهای تحقیق در دسترس باشد.
۷. مشاهدات سال-شرکت که دارای درآمد قبل از مالیات منفی یا صفر نباشند.
۸. مشاهدات سال-شرکت، مالیات قطعی را افشا کرده باشند.
۹. همچنین در گروه، شرکت های سرمایه گذاری و واسطه گری مالی نباشند. عدم شمول شرکت های سرمایه گذاری و واسطه گری مالی به دلیل عدم یکنواختی و قابلیت مقایسه آنها با شرکت های تولیدی و خدماتی می باشد.
- با توجه به معیارهای فوق از بین شرکت های موجود در جامعه آماری تعداد ۱۰۸ شرکت در بازه زمانی مربوطه به عنوان نمونه آماری انتخاب گردید.

متغیرهای تحقیق

در این تحقیق برنامه ریزی مالیاتی به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته می شود. در ادبیات حسابداری، چندین ابزار مانند نرخ مالیاتی موثر نقدی هانلون و شولین، (۲۰۰۳)، ابزارهای تفاوت مالیاتی ابرازی مانزون و پلسکو، (۲۰۰۲)، و تفاوت مالیاتی باقیمانده دسای و دارمپالا، (۲۰۰۶) برای سنجش برنامه ریزی مالیاتی استفاده شده است. در این پژوهش از نرخ موثر مالیاتی (ERT) و تفاوت سود مشمول مالیات ابرازی شرکت ها و سود مشمول مالیات قطعی به عنوان معیار سنجش برنامه ریزی مالیاتی استفاده می گردد که به شرح زیر تعریف می شود:

۱- نرخ موثر مالیاتی (ERT):

(۱)

$$ERT = \frac{\text{Income tax expense}}{\text{pre-tax income}}$$

Income Tax Expense: بیانگر هزینه مالیات شرکت در سال جاری بعلاوه مالیات معوق

per Tax Income: بیان کننده سود قبل از کسر مالیات شرکت در سال جاری.

۲- تفاوت مالیات ابرازی با مالیات تشخیصی (PBT):

شرکت ها و حسابرس مالیاتی در راستای ماده ۲۷۲ ق.م.م، مالیات را در اظهارنامه ابراز می کنند؛ ولی عموماً ممیزین مالیاتی مجدداً به بررسی گزارش حسابرس مالیاتی به طور جز به جز می پردازند که عموماً با آن ها در اختلاف هستند. تفاوت این دو به عنوان خط مشی متهورانه مالیاتی شرکت ها در نظر گرفته شده است. این تفاوت را به راحتی می توان در یادداشت مالیات در پیوست ترازنامه شرکت ها مشاهده و محاسبه نمود. پس از محاسبه تفاوت این دو مورد، برای همگن سازی رقم بدست آمده بر جمع دارایی ها تقسیم می گردد:

(۲)

$$PBT = \left| \frac{\text{مالیات تشخیصی} - \text{مالیات ابرازی}}{\text{جمع دارایی ها}} \right|$$

متغیر مستقل این تحقیق، شفافیت شرکتی است که برای اندازه گیری آن از معیار شفافیت سود حسابداری استفاده می شود. برای اندازه گیری شفافیت سود از مدل بارث و همکاران (۲۰۰۸) استفاده می شود. در مدل بارث و همکاران، ضریب تعیین (R^2) مدل شاخص اندازه گیری شفافیت سود حسابداری است که از رگرسیون بازده سهام در برابر سود و تغییرات آن به دست می آید که به شرح زیر می باشد:

(۳)

$$R_{it} = \beta_0 + \beta_1 \frac{E_{it}}{P_{it-1}} + \beta_2 \frac{\Delta E_{it}}{P_{it-1}}$$

E_{it} ، سود هر سهم قبل از اقلام غیرعادی شرکت i در دوره t ؛ ΔE_{it} ، تغییرات سود هر سهم قبل از اقلام غیرعادی شرکت از دوره $t-1$ تا t ؛ P_{it-1} ، قیمت هر سهم شرکت در ابتدای دوره است. R_{it} ، نرخ بازده هر سهم بین تاریخ دو مجمع که به شرح زیر محاسبه می شود:

(۴)

$$R_t = \frac{(p_t - p_{t-1}) + D_1 + (p_t - p_n) \times \alpha + p_t \times \beta}{p_{t-1}}$$

p_n = ارزش اسمی سهم، D_t = سود نقدی تقسیمی هر سهم، α = درصد افزایش سرمایه از محل آورده نقدی و مطالبات سهامداران، β = درصد افزایش سرمایه از محل اندوخته یاسود انباشته.

به منظور کنترل سایر متغیرهایی که به نحوی در تجزیه و تحلیل مسأله پژوهش مؤثرند، متغیرهای کنترلی لازم با توجه به مرور متون تعیین شدند. متغیرهای کنترلی این پژوهش عبارتند از:

۱- اندازه شرکت (Size): برابر با لگاریتم طبیعی جمع دارایی های پایان دوره است.

۲- اهرم شرکت (Lev): برابر با نسبت بدهی ها به دارایی ها است.

۳- فرصت های رشد (M/B): برابر با نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری شرکت.

مدل رگرسیونی جهت آزمون فرضیه های تحقیق به شرح زیر می باشد:

(۵)

$$PBD_{it} = \beta_0 + \beta_1 CorpoTrans_{it} + \beta_2 Size_{it} + \beta_3 Lev_{it} + \beta_4 M/B_{it} + \varepsilon_{it}$$

$$ERT_{it} = \beta_0 + \beta_1 CorpoTrans_{it} + \beta_2 Size_{it} + \beta_3 Lev_{it} + \beta_4 M/B_{it} + \varepsilon_{it}$$

در این مدل:

PBTD: بیانگر تفاوت مالیات ابرازی با مالیات تشخیصی.

ERT: نرخ موثر مالیاتی.

Trans: بیانگر شفافیت شرکتی است که برای سنجش آن از شاخص شفافیت سود حسابداری استفاده می شود.

Size: برابر است با لگاریتم طبیعی جمع دارایی ها در پایان سال مالی

Lev: برابر است با نسبت بدهی ها به دارایی ها

M/B: فرصت های رشد که برابر با نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری.

برای تجزیه و تحلیل داده ها و آزمون فرضیه های تحقیق از روش همبستگی (تحلیل رگرسیون با استفاده از داده های پانل استفاده می گردد.

در این راستا، پس از اندازه گیری مقادیر هر یک از متغیرها، از نرم افزار Excel به منظور اندازه گیری و طبقه بندی و مرتب سازی داده ها و

همچنین از نرم افزار Eviews برای برازش مدل های رگرسیون و تحلیل آماری و در نهایت آزمون فرضیات استفاده گردید.

یافته‌های تحقیق

همان طور که در جدول (۱) مشاهده حداقل نرخ مؤثر مالیاتی (۰/۱۸۰۴-) نشان می‌دهد که برخی از شرکت‌های سودده، هیچ گونه مالیاتی پرداخت نمی‌کنند. میانگین تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات PBTD برابر با ۰/۰۸۲۱ است که نشان می‌دهد به طور متوسط سود قبل از مالیات شرکت‌ها بیشتر از سود مشمول مالیات آن‌ها است. حداقل تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات (۰/۰۵۲-) بیانگر این است که در بعضی از شرکت‌ها، سود حسابداری کمتر از سود مشمول مالیات است.

جدول ۱- آمارهای توصیفی متغیرهای پژوهش کل

متغیرهای پژوهش	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
ERT	۰/۲۱۸۴	۰/۱۶۲۸	۰/۲۹۶۷	-۰/۱۸۰۴	۰/۰۳۸
PBTd	۰/۰۸۲۱	۰/۱۰۸۲	۰/۱۵۸۳	-۰/۰۵۲	۰/۰۹۵۱
Trans	۰/۴۵۹۲	۰/۲۷۶۰	۰/۶۷۹۱	۰/۲۲۸۳	-۰/۴۵۱۲
Size	۳/۹۴۸۱	۱/۲۵۴۳	۶/۴۷۳۹	۰/۹۸۰۳	۰/۶۱۰۳
Lev	۰/۳۹۶۲	۰/۲۲۵۱	۰/۵۹۸۰	۰/۰۸۲۱	-۰/۷۲۸۰
M/B	۰/۰۹۴	۰/۰۲۳۱	۰/۱۹۷۸	-۰/۰۶۷۱	۰/۰۳۶۸

آزمون فرضیه‌ها

در ابتدا قبل از بررسی فرضیه‌های تحقیق باید پیش‌طی شامل، فرض نرمال بودن متغیرهای وابسته تحقیق، ناهمسانی واریانس، آزمون همخطی و خودهمبستگی بین باقیمانده‌ها بررسی گردد.

۱- بررسی فرض نرمال بودن متغیرهای وابسته تحقیق

برای آزمون فرض نرمال بودن متغیرهای وابسته تحقیق از آزمون کولموگوروف-اسمیرنوف یک نمونه‌ای استفاده می‌شود. فرض صفر و فرض مقابل این آزمون به شرح زیر است:

H_0 : متغیر مورد بررسی توزیع نرمال دارد.

H_1 : متغیر مورد بررسی توزیع نرمال ندارد.

جدول ۲- آزمون کولموگوروف-اسمیرنوف یک نمونه‌ای برای متغیرهای تحقیق

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	آماره KS	معنی داری (p-مقدار)
نرخ مؤثر مالیاتی (ERT)	۵۴۰	۰/۲۱۸۴	۰/۰۳۸	۰/۸۲۳۱	۰/۲۰۱۲
تفاوت مالیات ابرازی و مالیات تشخیصی (PBTd)	۵۴۰	۰/۰۸۲۱	۰/۰۲۹	۰/۶۴۰۳	۰/۰۹۵۱

با توجه به نتایج آزمون کولموگوروف-اسمیرنوف یک نمونه‌ای در جدول (۲)، سطح معنی داری هر دو متغیر بیشتر از ۵٪ است. این نتیجه نشان می‌دهد که یعنی با ۰/۹۵ درصد اطمینان، فرض نرمال بودن برای هر دو متغیر وابسته متغیرها پذیرفته می‌شود.

۳- بررسی ناهمسانی واریانس

در این آزمون فرضیه ها به صورت زیر تعریف می شوند:

H0: واریانس همسانی

H1: واریانس ناهمسانی

با استفاده از آماره F فیشر براحتی می توان قضاوت کرد که مدل، ناهمسانی دارد یا خیر. به این صورت که اگر احتمال مربوط به آماره (Prob (F- Static) بیشتر از سطح خطا (آلفا) باشد، فرضیه H_0 پذیرفته شده و لذا همسانی واریانس پذیرفته می شود. در صورتیکه خلاف این شرط محقق شود و مدل ناهمسانی داشته باشد برای رفع آن می توان از روش کمترین مجزورات تعمیم یافته (GLS) استفاده کرد. برای بررسی وجود ناهمسانی واریانس جملات اخلاص، از آزمون وایت (White) استفاده می گردد. نتایج آزمون ناهمسانی واریانس در جدول ارائه می گردد.

جدول ۳- نتایج آزمون ناهمسانی واریانس وایت

فرضیات تحقیق	شرح	مقدار آماره	p-value
مدل اول	F-statistic	۱۴/۱۸۹۳۲	۰/۰۸۴۲
	Obs*R squared	۹۶/۵۲۹۱۰۳	۰/۲۱۶۷
مدل دوم	F-statistic	۲۶/۸۱۳۲	۰/۴۳۳۷
	Obs*R squared	۱۷۳/۴۳۹۰۱	۰/۳۲۹۱

با عنایت به جدول (۳-۴)، از آنجا که آماره این آزمون وایت در سطح ۵ درصد معنادار نیست، بنابراین فرض ناهمسانی واریانس رد شده و همسانی واریانس جملات اخلاص پذیرفته می شود. بنابراین می توان از رگرسیون حداقل مربعات معمولی استفاده کرد.

۴- آزمون همخطی

یکی از مفروضات مدل رگرسیون چند متغیر خطی عدم وجود همخطی قابل ملاحظه بین متغیرهای مستقل است. وجود همخطی بین متغیرهای مستقل باعث می گردد نتایج برازش مدل رگرسیون قابل اتکائی نباشد. شاخص وضعیت^۱ و عامل تورم واریانس (VIF)، معیارهای مفیدی برای آزمون همخطی بین متغیرهای مستقل است. شاخص وضعیت با مقدار بیش تر از ۱۵ نشان دهنده احتمال همخطی بین متغیرهای مستقل می باشد و مقدار بیشتر از ۳۰ بیانگر مشکل جدی در استفاده از رگرسیون در وضعیت موجود آن است (مومنی و قیومی، ۱۳۹۱). نتایج آزمون همخطی با استفاده از این دو شاخص در جدول ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴- آزمون همخطی بین متغیرهای مستقل

متغیرهای تحقیق	شاخص وضعیت (CI)	عامل تورم واریانس (VIF)
Trans	۳.۲۹۳	۱.۰۰۷
Size	۵.۷۸۲	۱.۰۱۷
Lev	۹.۳۹۲	۱.۳۲۰
M/B	۲.۸۹۴	۱.۲۶۳

¹ -Condition Index

از آنجائیکه هیچ یک از ارقام مربوط به شاخص وضعیت متغیرهای تحقیق، بیشتر از ۱۵ نیست، می توان نتیجه گرفت که متغیرهای مستقل تحقیق دارای همخطی قابل ملاحظه ای نیستند.

۵-آزمون مانایی لوین، لین و چو

نتایج حاصل از آزمون مانایی (ایستایی) متغیرهای پژوهش نیز در جدول (۴-۵) ارائه شده است. با توجه به داده های جدول مذکور، برای کلیه متغیرهای پژوهش، سطح معناداری (p-value) در آزمون ریشه واحد لوین، لین و چو کوچک تر از ۵٪ است؛ بنابراین فرض صفر رد می شود که نشان دهنده این است که متغیرها مانا هستند. در نتیجه، شرکت های مورد بررسی تغییرات ساختاری نداشته و استفاده از این متغیرها در مدل باعث به وجود آمدن رگرسیون کاذب نمی شود.

جدول ۵-آزمون مانایی لوین، لین و چو

متغیرهای تحقیق	آماره آزمون	احتمال آماره (P-value)
ERT	-۶/۴۵۹۲	۰/۰۰۰۰
PBTD	-۱۲/۷۸۳۴	۰/۰۲۱۲
Trans	-۷/۰۸۷۲	۰/۰۰۰۲
Size	-۱۴/۲۵۷۳	۰/۰۰۰۰
Lev	-۱۱/۵۰۸۹	۰/۰۰۰۰
M/B	-۹/۸۸۴۲	۰/۰۱۰۱

۶-آزمون انتخاب نوع داده ها

با توجه به اینکه داده های این تحقیق ترکیبی از داده های سری زمانی و مقطعی است؛ لذا به منظور انتخاب نوع داده ها از بین روش ترکیبی (Panel) و روش تلفیقی (Pool) می بایست از آزمون F لیمر و در صورت نیاز آزمون هاسمن استفاده گردد. نتایج این آزمون ها در جدول (۶) و (۷) ارائه می گردد.

جدول (۶) نتایج آزمون F لیمر

شرح	آماره	مقدار	P-Value	نتیجه آزمون
مدل ۱	PeriodChi-square	۹/۳۷۶۰۱	۰/۰۰۰۰	داده های تلفیقی
مدل ۲	PeriodChi-square	۲۸/۶۴۵۲۱	۰/۱۶۴۳	داده های تابلویی

مطابق جدول (۶) سطح معنی داری آماره آزمون F لیمر در مدل اول تحقیق کمتر از سطح خطای ۵٪ است؛ لذا نوع داده‌ها برای مدل ۱ داده‌های تلفیقی است. اما در مدل ۲ سطح معنی داری آماره آزمون F لیمر بیشتر از سطح خطای ۵ درصد است، در نتیجه الگوی مناسب داده‌ها برای مدل رگرسیون ۲ استفاده از داده‌های تابلویی است. در این مدل سپس باید مشخص گردد که آیا الگوی پانل (الگوی اثرات ثابت یا الگوی اثرات تصادفی) مناسب است. برای مشخص شدن این موضوع از آزمون هاسمن استفاده می‌شود. نتایج آزمون هاسمن در

جدول (۷) آزمون هاسمن

شرح	آماره	مقدار	P-Value	نتیجه آزمون
مدل ۲	Cross-section Random	۱۸/۳۶۵۲۱	۰/۰۸۷۲	الگوی اثرات تصادفی

جدول ۷ ارائه می‌گردد.

با توجه به یافته‌های آزمون هاسمن در جدول (۷) سطح معنی داری آماره آزمون برابر ۰/۰۸۷۲ است. بنابراین در سطح خطای ۵٪ و با اطمینان ۹۵٪ فرض صفر تأیید می‌گردد. لذا استفاده از الگوی اثرات تصادفی برای برآورد مدل ۲ تأیید می‌گردد.

۷- آزمون فرضیات

در مدل‌های رگرسیونی با توجه به مقادیر p-value نسبت به رد یا تأیید فرضیه صفر تصمیم گرفته می‌شود. اگر p-value کمتر از سطح معنی داری ۵٪ باشد فرض صفر رد، در غیر این صورت فرض صفر پذیرفته می‌شود. بیان آماری فرضیات تحقیق به شرح زیر می‌باشند:

فرضیه اول:

H_0 : بین شفافیت سود حسابداری و نرخ موثر مالیاتی رابطه معناداری وجود ندارد.

H_1 : بین شفافیت سود حسابداری و نرخ موثر مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره (۸) - نتایج آزمون فرضیه اول تحقیق

$ERT_{it} = \beta_0 + \beta_1 CorpoTrans_{it} + \beta_2 Size_{it} + \beta_3 Lev_{it} + \beta_4 M/B_{it} + \varepsilon_{it}$			
متغیرها	ضرایب	آماره t	P-value
مقدار ثابت	۵/۷۸۶۲	۱/۱۴۹۳	۰/۰۰۰
CorporTrans	-۳/۰۶۱۷	-۱/۶۲۲	۰/۰۰۰۰
Size	۳/۶۷۲۱	۲/۱۸۲۴	۰/۰۴۲۱
Lev	-۱/۸۱۹۳	-۱/۳۳۵۶	۰/۰۰۸۱
M/B	۲/۴۹۷۳	۷/۱۴۲۸	۰/۲۵۶۴

۰/۳۴۸۱	ضریب تعیین تعدیل شده	۱۸/۳۲۹۸	آماره F
۲/۳۱۹۵	آماره دوربین واتسن	۰/۰۰۰۰	سطح معنی داری آماره F

نتایج حاصل از برازش مدل رگرسیونی ۱ که مربوط به فرضیه اول تحقیق است در جدول (۸) ارائه شده است. با توجه به داده‌های این جدول، سطح معنی داری آماره F برابر ۰/۰۰۰۰ از سطح خطای ۵٪ کمتر است. بنابراین با اطمینان ۹۵٪، معنی داری کلی مدل رگرسیونی فوق به لحاظ آماری تأیید می‌گردد. سطح معنی داری ضریب متغیر مستقل اصلی تحقیق (CorpoTrans)، برابر با ۳/۰۶۱۷- است که از سطح خطای مورد تحقیق (۵٪) کمتر است. این بدان معنی است که متغیر شفافیت شرکتی (CorpoTrans) با نرخ موثر مالیاتی (ERT) رابطه معنی داری دارد. از سوی دیگر، علامت منفی ضریب این متغیر، نشان می‌دهد که رابطه بین این دو منفی است و با افزایش شفافیت شرکتی، انتظار می‌رود نرخ موثر مالیاتی شرکت کاهش یابد. در خصوص متغیرهای کنترلی نیز، متغیرهای اندازه شرکت (SIZE) با نرخ موثر مالیاتی رابطه معنی دار مثبت و متغیر اهرم مالی (Lev) رابطه معنی دار منفی دارد. همچنین متغیر فرصت‌های رشد (M/B) با متغیر نرخ موثر مالیاتی رابطه معنی دار ندارد.

سایر داده‌های جدول نیز نشان می‌دهد که مقدار آماره دوربین-واتسن بین دامنه ۱/۵ تا ۲/۵ است که حاکی از عدم همبستگی بین اجزای باقیمانده است. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۳۴/۸۱ درصد است که بیان می‌کند متغیر شفافیت شرکتی به همراه سایر متغیرهای کنترلی معنی دار، مقدار ۳۴/۸۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته (نرخ موثر مالیاتی) را توضیح می‌دهند.

فرضیه دوم:

H_0 : بین شفافیت سود حسابداری و تفاوت مالیات ابرازی و مالیات تشخیصی رابطه معناداری وجود ندارد.

H_1 : بین شفافیت سود حسابداری و تفاوت مالیات ابرازی و مالیات تشخیصی رابطه معناداری وجود دارد.

نتایج برازش مدل رگرسیونی مربوط به فرضیه اول تحقیق به شرح جدول (۹) به شرح زیر می‌باشد.

جدول شماره (۹)- نتایج آزمون فرضیه دوم تحقیق

$PBTD_{it} = \beta_0 + \beta_1 CorpoTrans_{it} + \beta_2 Size_{it} + \beta_3 Lev_{it} + \beta_4 M/B_{it} + \varepsilon_{it}$			
متغیرها	ضرایب	آماره t	P-value
مقدار ثابت	۴/۸۵۶۷	۲/۱۳۷۲	۰/۰۰۰
CorporTrans	-۲/۱۲۷۴	-۱/۱۶۷۹	۰/۰۰۰۰
Size	۴/۲۵۴۹	۱/۵۴۶۳	۰/۰۰۰۰
Lev	-۲/۵۱۶۶	-۱/۰۹۸۵	۰/۰۲۹۰
M/B	۳/۴۷۸۴	۶/۳۲۱۹	۰/۲۱۸۳
آماره F	۱۴/۹۰۶۳	ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۳۸۴۹
سطح معنی داری آماره F	۰/۰۰۰۰	آماره دوربین واتسن	۱/۷۸۹۱

با توجه به نتایج حاصل از برازش مدل رگرسیونی ۱ مربوط به فرضیه دوم تحقیق در جدول (۹)، سطح معنی داری آماره F برابر ۰/۰۰۰۰ است که از سطح خطای ۵٪ مورد نظر تحقیق کمتر است؛ بنابراین مدل رگرسیونی کلی به لحاظ آماری تأیید می‌گردد. سطح معنی داری ضریب متغیر مستقل اصلی تحقیق (CorpoTrans)، برابر با -۲/۱۲۷۴- کمتر از سطح خطای مورد تحقیق (۵٪) است؛ که این نشان می‌دهد متغیر

شفافیت شرکتی (CorpoTrans) با متغیر وابسته تفاوت مالیات ابرازی و مالیات تشخیصی (PBTD) رابطه معنی دار منفی دارد. بدین معنی که با افزایش شفافیت شرکتی، انتظار می‌رود تفاوت مالیات ابرازی و مالیات تشخیصی شرکت کاهش یابد. در خصوص متغیرهای کنترلی نیز، متغیرهای اندازه شرکت (SIZE) با متغیر تفاوت مالیات ابرازی و مالیات تشخیصی رابطه معنی دار مثبت و متغیر اهرم مالی (Lev) رابطه معنی دار منفی دارد. همچنین متغیر فرصت‌های رشد (M/B) نیز رابطه معنی دار ندارد.

همچنین مقدار آماره دوربین-واتسن بین دامنه ۱.۵ تا ۲.۵ است که حاکی از عدم همبستگی بین اجزای باقیمانده است. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۳۸/۴۹ درصد است که بیان می‌کند متغیر شفافیت شرکتی به همراه سایر متغیرهای کنترلی معنی دار، مقدار ۳۸/۴۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند.

نتیجه‌گیری

یکی از اهداف اصلی شرکت‌ها، حداکثر کردن ثروت سهامداران است. مدیران شرکت در راستای دستیابی به این هدف، باید در تصمیم‌گیری‌های خود، به عوامل ایجاد ثروت توجه داشته باشند. یکی از اقداماتی که می‌تواند در جهت حداکثر ساختن ارزش شرکت و در نتیجه ثروت سهامداران صورت گیرد، استفاده از راهکارهایی است که از طریق آنها مالیات پرداختی شرکت کاهش می‌یابد. برنامه‌ریزی مالیاتی یکی از راه‌های کاهش مالیات بر سود شرکت است که برخی از شرکت‌های با استفاده از شیوه‌های مختلف نظیر اجتناب مالیاتی در این زمینه اقداماتی را انجام می‌دهند. اجتناب مالیاتی، فرار مالیاتی، مدیریت سود و غیره، ابزارهایی هستند که در چارچوب برنامه ریزی مالیاتی، برای کاهش مالیات از آن استفاده می‌شود (حانلونوهیتزمان، ۲۰۰۹). رویه‌های جسورانه مالیاتی سبب پنهان کردن حقایق و موجب افزایش عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران شرکت و سرمایه‌گذاران خارجی از طریق محدود کردن افشاء اطلاعات و در نتیجه کاهش شفافیت اطلاعاتی می‌گردد. کیم و همکاران (۲۰۱۰) دریافتند که فرار مالیاتی آثار منفی بر محیط اطلاعاتی و گزارشگری شرکت دارد. برخی از محققین نظری بالا کریشن و همکاران (۲۰۱۲) نشان دادند که رویه‌های جسورانه مالیاتی، شفافیت شرکت را کاهش می‌دهد. نتایج تحقیق نشان داد که استراتژی جسورانه مالیاتی شفافیت شرکت را کاهش می‌دهد. از سوی دیگر، مدیران در شرکت‌های با رویه‌های جسورانه مالیاتی تلاش می‌کنند مسأله شفافیت را با افزایش دادن سطح افشای مالیاتی کاهش دهند.

هدف تحقیق حاضر بررسی رابطه شفافیت شرکتی و برنامه ریزی مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. در این راستا، تعداد ۱۰۸ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴ انتخاب و با تدوین دو فرضیه، رابطه بین شفافیت شرکتی و برنامه ریزی مالیاتی مورد آزمون و تحلیل آماری قرار گرفت. در این تحقیق برای سنجش شفافیت شرکتی از معیار جایگزین شفافیت سود حسابداری و برای اندازه‌گیری برنامه ریزی مالیاتی با استناد به ادبیات موجود از دو معیار نرخ موثر مالیاتی (ERT) و تفاوت مالیات ابرازی و مالیات تشخیصی (PBTD) استفاده گردید. همچنین در این تحقیق از ترکیب داده‌های مقطعی و سری زمانی استفاده شد و برای تجزیه و تحلیل آماری و آزمون فرضیات تحقیق از نرم افزار آماری Eviews استفاده گردید. به طور کلی، یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که شفافیت شرکتی با برنامه ریزی مالیاتی رابطه معنی دار منفی دارد. به بیانی دیگر، با افزایش شفافیت شرکتی میزان نرخ موثر مالیاتی شرکت و همچنین تفاوت مالیات ابرازی و مالیات تشخیصی کاهش می‌یابد. در فرضیه اول تحقیق رابطه بین شفافیت شرکتی (شفافیت سود حسابداری) با نرخ موثر مالیاتی بیان گردید. نتایج آزمون این فرضیه ارائه گردیده است. داده‌های این جدول حاکی از آن است که ضریب متغیر شفافیت سود حسابداری منفی و به لحاظ آماری معنی دار است. این بدان معنی است که بین شفافیت شرکتی (شفافیت سود حسابداری) و نرخ موثر مالیاتی رابطه منفی و معنی داری وجود دارد. این نتیجه نشان می‌دهد که با افزایش شفافیت سود حسابداری میزان نرخ موثر مالیاتی شرکت‌ها کاهش می‌یابد و در شرکت‌هایی که دارای شفافیت سود حسابداری بیشتری هستند دارای نرخ موثر مالیاتی کمتری خواهند بود. این یافته با نتایج تحقیق بالا کریشن و همکاران (۲۰۱۲) و چن و همکاران (۲۰۰۹) سازگار است و در مقابل با نتایج تحقیق عرب مازار و همکاران (۱۳۹۰) در تضاد است. تحلیل بیشتر این یافته حاکی از آن است که رفتار گزارشگری مالی شرکت‌ها با گزارشگری مالیاتی ارتباط تنگاتنگی دارد.

در فرضیه دوم تحقیق رابطه بین شفافیت شرکتی (شفافیت سود حسابداری) با تفاوت مالیات ابرازی و مالیات تشخیصی مورد توجه قرار گرفت. در خصوص فرضیه دوم، با توجه به نتایج حاصل از آزمون مدل رگرسیون مشاهده می‌شود که مدل رگرسیونی مورد نظر با توجه به آماره F و سطح معنی داری مربوط به آن، به طور کلی معنی دار است. همچنین با توجه به آماره t و P-value این متغیر، نتایج نشان دهنده معنی داری این ضریب در سطح خطای ۵٪ است. این یافته نشان می‌دهد که شفافیت سود حسابداری با متغیر وابسته تفاوت مالیات ابرازی و مالیات تشخیصی رابطه منفی و معنی داری دارد. بدین معنی که در شرکت‌هایی که شفافیت سود حسابداری بیشتری دارند از مقدار تفاوت مالیات ابرازی با مالیات تشخیصی کمتری برخوردار هستند. این یافته با نتایج تحقیق عبدولی و همکاران (۱۳۹۲) و چن و همکاران (۲۰۰۹) همخوانی دارد.

با توجه به یافته‌های این تحقیق، پیشنهادهای زیر قابل طرح است:

۱- با توجه به بررسی‌ها و مطالعات صورت گرفته در طول تحقیق و همچنین با در نظر گرفتن نتایج تحقیق در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مسئله برنامه ریزی مالیاتی وجود دارد لذا به دست اندرکاران به ویژه ممیزین مالیاتی دفاتر شرکت‌ها پیشنهاد می‌شود در بررسی و حسابرسی دفاتر شرکت‌ها موضوع برنامه ریزی مالیاتی شرکت‌ها را با دقت مورد توجه قرار دهند.

۲- با توجه به یافته های این تحقیق مبنی بر ارتباط معنی دار شفافیت گزارشگری مالی با موضوع برنامه ریزی مالیاتی، به ویژه متغیرهای نرخ موثر مالیاتی شرکت و تفاوت تفاوت مالیات ابرازی و مالیات تشخیصی که یکی از مسائل همیشگی در شرکت های بورسی است، به سرمایه گذاران بالقوه و بالفعل پیشنهاد می گردد در تصمیم گیری های خود شفافیت گزارشگری مالی در شرکت ها را مورد توجه قرار دهند.

مراجع

- [۱] پورحیدری، ا؛ فدوی، م؛ امینی نیا، م. (۱۳۹۳). "بررسی تاثیر اجتناب از پرداخت مالیات بر شفافیت گزارشگری مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، سال چهاردهم، شماره ۵۲، صفحات ۸۵-۶۹.
- [2] Balakrishnan, K., Core, J. E. and R. S. Verdi (2011). "The relation between reporting quality and financing and investment: Evidence from shocks to financing capacity". Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=1932349>.
- [3] Baltagi, B. H. (2005). *Econometric Analysis of Panel Data*. John Wiley & Sons Inc, 3rd Edition, New York, USA.
- [4] Barbuta, n. (2008). "Economic and Non-Economic Factors for Tax Compliance" University of Galati.
- [۵] عبدلی، م؛ شورورزی، م؛ میرزائی، س. (۱۳۹۲). "بررسی ارتباط بین تفاوت مالیات ابرازی و تشخیصی با شفافیت شرکتی"، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی، سال پنجم، شماره ۱۹، صص. ۹۰-۶۹.
- [۶] نوری خانیوردی، اصغر (۱۳۸۱)، «عوامل موثر بر فرار مالیاتی در شهر تبریز» پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی تبریز.
- [۷] مریدی، سیاوش، پرتوی شفق، ملوک، رضاییان مقدم، منصوره (۱۳۸۴)، «بررسی و شناسایی پدیده فرار مالیاتی و تحلیل دلایل اقتصادی آن». پایان نامه کارشناسی ارشد، پژوهشکده امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی.
- [۸] موسوی جهرمی، یگانه، طهماسبی بلداجی، فرهاد (۱۳۸۶)، «راه های فرار مالیاتی در نظام مالیات بر ارزش افزوده و راهکارهای جلوگیری از آن». پایان نامه کارشناسی ارشد، پژوهشکده امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی.
- [۹] پیرایش، رضا، پیری، پرویز، ایمانی برندق، محمد، زواره ای رضایی، اکبر (۱۳۹۰)، «حسابداری مالیاتی، مبانی، تحلیل و بررسی قوانین مالیاتی»، انتشارات دانشگاه زنجان.
- [۱۰] شیرخانی، ف. (۱۳۸۵)، «بررسی مسایل و سیاست های اقتصادی» مجله اقتصادی - وزارت امور اقتصادی و دارایی، شماره ۵۴.
- [11] Dipiazza, I, Samuel, A. Robert, G. (2001). "Building Public Trust, The future of Corporate Reporting John wiley & sons
- [12] Elliott, W. Brooke, Krische, D. Susan. Peecher, E. Mark, (2010), "Expected Mispricing: The Joint Influence Of Accounting Transparency And Investor Base". *Journal of Accounting Research*, 48: 343-381.
- [13] Frank, M. M. , Lynch, L. , Rego, S. (2009). Tax reporting aggressiveness and its relation to aggressive financial reporting. *The Accounting Review*, 84, 467-496.
- [14] Botosan, C. A (1997). Disclosure level and the cost of equity capital. *Accounting review* 72: 323-349.
- [15] Gernon H, Meeks GK (1997). *Accounting an international perspective*, 5th edn. Irwin McGraw-Hill, Singapore.
- [16] Bushman, R., & Smith, A (2001), *Financial Accounting Information and Corporate Governance*, *Journal of Accounting and Economics*, 32.
- [17] Aksu, M. (2006), "Transparency & Disclosure in the Istanbul Stock Exchange: Did IFRS Adoption and Corporate Governance Principles Make a Difference". *Social Responsibility Journal*, Vol. 4 Iss: 3, Pp: 407 – 421.
- [18] Armstrong, S, C. Blouin, L, J. Larker, F. D. (2012). The Incentives for Tax Planing. *Journal of Accounting and Economics*. Vol. 53, pp. 391-411.
- [19] Nielsen, Christian. Modsen, Mona Toft (2009), "Discourses Of Transparency In The Intellectual Capital Reporting Debate Moving From Generic Reporting Models To Management Defined Information".
- [20] Lander, H Gerald., Kathleen A. Auger, (2008), "The Need For Transparency In Financial Reporting" *Journal Of Accounting & Organizational Change* Vol. 4 No. 1., Pp: 27-46
- [21] Kim, Jinbae. (2005). *Accounting Transparency of Korean Firms: Measurement and Determinant Analysis*. *The Journal of American Academy of Business*, Cambridge * Number 2 * March 2005
- [۲۲] لرگانی صمدی، م و آزاد، ح. (۱۳۹۰). "نقش افشای داوطلبانه و شفافیت در گزارشگری مالی" حسابرس، شماره ۵۷.
- [23] Balakrishnan, K., Blouin, J. & Guay, W (2012), *Does Tax Aggressiveness Reduce Corporate Transparency?*, Working Paper, University of Pennsylvania.
- [24] Chen, Y., Huang, SH., Pereira, R. & Wang, J (2009), *Corporate Tax Avoidance and Firm Opacity*, Discussion Paper.
- [25] Chiu, Chi, Li. (2009). "Do Transparency And Disclosure Predict Firm Performance? Evidence From The Taiwan Market" *Journal Homepage Elsevier*, Volume 36, Issue 8, Pp: 11198-11203
- [26] Frank, M. M. , Lynch, L. , Rego, S. (2009). Tax reporting aggressiveness and its relation to aggressive financial reporting. *The Accounting Review*, 84, 467-496.

[۲۷] بادآورنهندي، ی؛ قادري، ص؛ بهشتي نهندي، رضا (۱۳۹۲). "تأثير شفافيت اطلاعات حسابداری بر ناکارایی سرمایه گذاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال بیست و یکم، شماره ۶۸، صص. ۸۵-۶۲.

[۲۸] عرب مازار، ع؛ طالب نیا، ق؛ وکیلی فرد، ح؛ صمدی لرگانی، م. (۱۳۸۹). "تبیین ارتباط بین شفافیت گزارشگری مالی با گزارشگری مالیاتی در ایران، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، سال سوم، شماره نهم.